

عنوان مقاله:

مرگ مغزی از منظر فقه شیعه و طب جدید

محل انتشار:

مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره 24، شماره 113 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسنده:

محمد علی افضلی - علوم پزشکی مازندران

خلاصه مقاله:

سابقه و هدف: تشخیص قطعی مرگ انسان در اکثر موارد که قلب و مغز در اثر کلهولت سن یا حوادث کشنده، به طور کاملاً واضح از کار باز می ایستند، چندان مشکل نیست. اما گاهی علی رغم وجود نشانه های مرگ، تشخیص قطعی چندان آسان نیست. مرگ مغزی نمونه بارز این موارد است. لذا این مساله مورد بحث بین فقها و پزشکان است. فواید این بحث در مسایل بسی از زیادی از جمله اجازه یا عدم اجازه اتانازی بیمار، قطع و پیوند اعضا، جواز دفن، و... آشکار می شود. هدف ما در این مقاله بررسی و مقایسه نظرات پزشکان و فقها شیعه در این مساله است. مواد و روش ها: در پژوهش مروری جهت جمع آوری اطلاعات علاوه بر مراجعه به منابع اسلا می (قرآن و حدیث) و کتب و مقالات تدوین شده تا سال ۹۲، به پایگاه های مختلف اطلاع رسانی از قبیل: مراجعه Blackwell, Noormags, Oxford, IranMedex, Euthanasia.com, Hawzeh.net, elm.ac.ir, ISI, Islamonline شد و پس از جمع آوری و تجزیه و اطلاعات مقالات نتیجه گیری شد. یعنی جدایی کامل روح از «توفی» یافته ها: دانش پزشکی مرگ مغزی را پایان زندگی انسان تلقی می کند. اما قرآن بدن را مرگ قطعی می داند. استنتاج: اصولاً نگاه پزشکی و فقه در این مساله یکسان و قابل مقایسه نیستند. زیرا پزشک با نگاه به حیات پایدار (مستقر) پیشین بیمار، برگشت به آن را درحالت مرگ مغزی محال می داند، لذا حکم به قطعیت موت می کند. اما فقیه با نگاه به احکام و مسایل پسین (پس از اطمینان از خروج کامل روح از بدن)، مرگ مغزی را یقین آور تلقی نمی کند. در نتیجه اجرای احکام فقهی و حقوقی میت را تا حصول یقین به خروج کامل روح از بدن، جایز نمی داند.

کلمات کلیدی:

brain death, euthanasia, dubious death, مرگ مغزی, اتانازی, مرگ مشتبه و قطعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1790386>

